

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

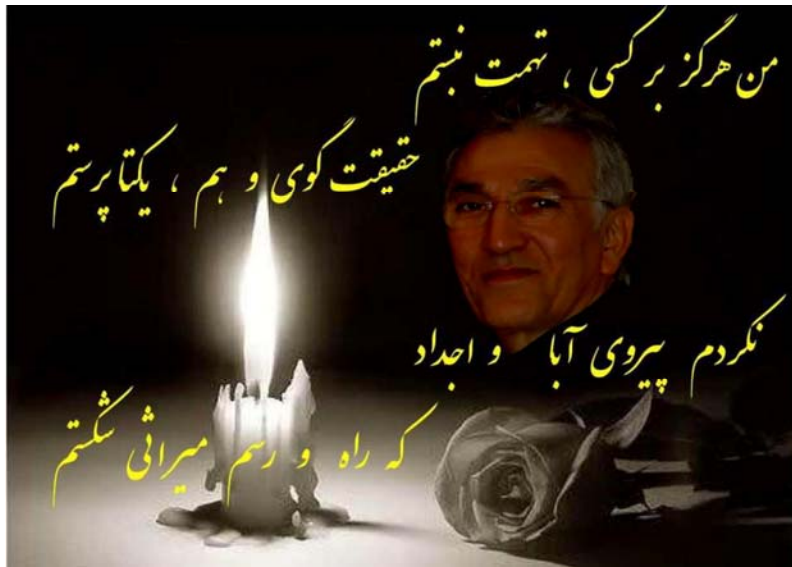
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

۰۹ دسمبر ۲۰۱۸



حضرت سیاف میرسد

ریش کشال تا به نه ناف میرسد
چون اژدها و دیوی که از قاف میرسد
با بوی گند، فاعل اجحاف میرسد
چرکاب و ریم، همزه رُعاف میرسد
آن بیحیای قاتل و خَطَاف میرسد
تخم حرام نطفه اجلاف میرسد
با دنگ و دنگ کوبه نداف میرسد
با حرف مفت و با گپ ارجاف میرسد
با تیم پشم و خشم ستم باف میرسد
ارزان کنید نرخ که صَرَاف میرسد
غلمان و حور، بیش ز آلف میرسد

آمد خبر که حضرت سیاف میرسد
بد فوکس و بد قواره، هیولای دوزخی
دندان زنگ بسته، کنارابی دهن
با بینی چو ناوه حمام، پُر عَساق
با چشم گرد مرغی و خونی و آتشی
نوشیده بسکه شیر شتر را ز سوسمار
خواهد رئیس دولت افغان ستان شود
با آیه های جعل و احادیث بس دروغ
آن ماده مست خام خور هیکل و بدن
ای تاجران یشم شما را قسم به لشم
از بهر قشتم با بدن تاپه بی و وشم

کرزی! مرو که حال همه زار میشود حیوانکِ درنده زُ عاف میرسد
 ای هموطن! بالاخره هشیار بایدت تیم صواف و باندک لَواف میرسد
 بر مرده شو وقبر کن وهم کفن کُشان القابِ مُفتِ دور ز انصاف میرسد
 استادِ بی سند که شده فخرِ این و آن دلال و هم مَلِک شده با لاف میرسد
 ای تیمِ پشم و خشم، بدانید بعد ازین با نظم و نثر، خدمت تان شاف میرسد
 با بیت و با قصیده و با طنز و مثنوی «نعمت» به جانتان چو چلو صاف میرسد

معانی بعضی واژه ها

إجحاف = ستم کردن، تعدی کردن، زیاده روی کردن
 عَساق = خون و ریم دوزخیان، زرداب، سرد و گنده
 رُ عاف = خونی که از بینی بیرون بیاید
 حَطَاف = بسیار رباینده، دزد، شیطان
 إجلاف = جمعی جَلَف، فرومایگان
 إرجاف = خیر های نادرست گفتن و مردم را به هیجان و اضطراب افگندن
 یَشَم = عقیق
 قَشَم = در خانه خود آرامش یافتن، بسیار خوردن از طعام خوشمزه
 وَشَم = خالکوبی روی جلد
 آلاف = هزاران
 زُ عاف = کشنده، هلاک کننده
 لَواف = گلیم باف
 صَوَاف = پشم فروش

حضرت سیاف میرسد

ریش کشال تا به تیره ناف میرسد
چون آتشها و دیوی که از قاف میرسد
بابوی کند فاعل احسان میرسد
چسکاب و ریم، بهره زعاف میرسد
آن بی حیای قاتل و خطاف میرسد
تخم حرام نطفه اجلاف میرسد
بادنگ و دنگ کوبه نذاف میرسد
با حرف نفث و باکپ ارجاف میرسد
با تیم چشم و خشم ستم باف میرسد
ارزان کنید نرخ که صراف میرسد
غلمان و حور، بیش ز آلف میرسد
حیوانک درنده ز عاف میرسد
تیم صواف و بانک لواف میرسد
الفتاب نفث دور ز انصاف میرسد
دلال و هم ملک شده با لاف میرسد
با نظم و شر، خدمت تان شاف میرسد
«نعمت» به جان تان چو چلو صاف میرسد

آمد خبر که، حضرت سیاف میرسد
بد فوکس و بد قواره، هیولای دوزخی
دندان زنک بسته، کنارابی دهن
با بینی چو ناو ده حمام پُر عشاق
با چشم کرد مرغی و، خونی و آتشی
نوشیده بسکه شیر شتر را ز سوما
خواهد رئیس دولت افغان ستان شود
با آیه های جعل و احادیث بس دروغ
آن ماده مست خام خور هیکل و بدن
ای تاجران چشم شمارا قسم به چشم
از بجهت قسم باین تاپه پی و چشم
(گرزی) مره که حال همه زار میشود
ای هموطن! بلاخبره هشیار بایت
بر مرده شو و قبر کن و هم کفن کشان
استاد بی سند که شده فخر این و آن
ای تیم چشم و خشم، بدانید بعد ازین
بایست و با قهیده و باطنز و مشنوی